



مانیفست آدم‌خواری

اسوالد دو آندراده

ترجمه به انگلیسی: لزلی بری

ترجمه به فارسی: سوسن لوآ

«مانیفست آدم‌خواری» اسوالد دو آندراده

لزلی بری

مقدمه

«مانیفست آدم‌خواری» (مآ) [«Manifesto Antropófago» (MA)] اثر شاعر مدرنیست برزیلی اسوالد دو آندراده اول در نخستین شماره از *Revista Antropofagia* منتشر شد، مجله نقد و بررسی فرهنگی سائو پائولو با سردبیری Alacantara Machado و Raul Bopp در مه ۱۹۲۸. گرچه برخی دیگر از اعلامیه‌های آوانگارد مهم نیز بعنوان اسناد ادبی آن دوره جالب‌توجه‌اند (مثلاً «Prefacio Interessantissimo» اثر Mario de Andrade برای مجموعه آثار ۱۹۲۱ اش *Pauliceia Desvairada* و تحریره پروگرم‌دار شماره ۱۵ مه ۱۹۹۲ *Klaxon*، مجله آوانگاردی که نتیجه بلافصل برنامه «Semana de Arte Moderna» در فوریه همان سال در سائو پائولو بود) مآ بعنوان مانیفستی فرهنگی و کاملاً ادبی توجه دانشگاهی و حتی همگانی بی‌واسطه‌تری را حفظ کرده است. در برزیل، بویژه طی بیست سال گذشته، مآ بطور گستره‌ای بعنوان پارادایمی برای خلق یک فرهنگ مدرن و جهان‌شهروندی که در عین حال اصالت ملی هم داشته نقل آورده شده است.

اسوالد در «مانیفست ادبیات برزیل وود» [«Manifesto de Poesia Pau-Brasil» (۱۹۲۴)] شعری «در کلاس متخصص» را اعلام کرده بود که مدل‌های زیباشناختی وارداتی را کپی نخواهد کرد بلکه ماده کارش را در تاریخ، فرهنگ عامه، و زندگی روزمره برزیل پیدا میکند. شعر برزیل وود بگفته اسوالد در اینجا «موازنه با اصالت بومی برای خنثی کردن همنوایی آکادمیک» را فراهم می‌آورد (۱۹۸۶: ۱۸۷). او مفاهیم آوانگارد شعر بمنزله «جعل» و «شگفتی» را با هنر محاکاتی عالمانه‌ای در تقابل قرار میدهد که برایش به مستعمره و امپراتوری برزیل ربط دارد (۱۸۲۲ – ۱۸۸۹) و به این ترتیب جستجو برای هویت ملی را با پروژه زیباشناختی مدرنیستی یکی میکند.

در این طرح، تولید فرهنگی برزیل هم بومی میشود و هم جهان‌شهروندی. «برهوت وحشی برزیل» بدور از اینکه کپی‌های دسته‌دومی از مدل‌های قاره‌ای را تولید کنند به یک شعر مدرن «چالاک و صاف‌وساده» منجر خواهد شد.



پس شعر برزیل وود راه‌حلی را برای حقارت فرهنگی درک‌شده برزیل پیشنهاد می‌دهد و همزمان زندگی تازه‌ای را به حیطه فرهنگی بین‌المللی تزریق می‌کند.

نظریه بازیگوشانه و جدلی «آدم‌خواری» فرهنگی مد نظر اسوالد در *مآ* رادیکال‌سازی همین ایده‌هاست. *MA* دوگانگی‌های تمدن/بربریت، مدرن/بدوی، و اصیل/ماخوذ را به چندوچون می‌گیرد، مفاهیمی که پی‌ریزی فرهنگ برزیل از اولین روزهای مستعمره را ملهم کرده بودند. در *مآ*، اسوالد نوشته استعمارگران برای آمریکا بمنزله قلمرویی وحشی را بطرزی براندازانه مال خود می‌کند، قلمرویی که زمانی متمدن بود و ضرورتاً نسخه‌ای لجن‌آلود از اروپاست. استفاده از استعاره آدم‌خواری به سوژه برزیلی اجازه می‌دهد که هویت استعماری آینه‌ای خود را در یک فرهنگ ملی (در تقابل با فرهنگ وابسته و برگرفته‌شده) خودآیین و اصیل ضرب کند. انسان‌خوار اسوالد - که خودش یک آدم‌خوارانه‌کردن است، نه از جنس وحشی آرمانی روسو بلکه از جنس آدم‌خوار اذعان‌شده و فعال مونتاین - نه از فرهنگ اروپایی تقلید می‌کند نه این فرهنگ را رد می‌کند بلکه آن را «میبلعد»، با قوت‌های سازگار می‌شود و آنها در خود زادگانی‌اش تن‌دار می‌کند.^۱

این دو بیانیه متن‌هایی محوری در تداوم خلق فرهنگ ملی برزیل‌اند و نوشته‌هایی مناقشه‌برانگیز که حرف‌های زیادی برای افشا در مورد ساختار تفکر استعمارگرایانه و مشکلات ساختن هویت در بافت پسااستعماری دارند.

مآ متن سخت‌خوانی است و برای ترجمه هم دشوار است چون بر مجموعه‌ارجاع‌هایی به لطایف و جناس‌ها استوار است که به تاریخ برزیل ربط دارند و گاه به آثار مبهمی که تاثیرگذار بوده‌اند. ترجمه حاشیه‌نویسی‌شده‌ای که من در اینجا ارائه می‌کنم قصد آن را دارد که این ارجاعات را روشن کند و در کنارش این متن مهم را در دسترس مخاطب انگلیسی‌زبان قرار دهد.

کسانی که برای اولین اسوالد را می‌خوانند بطور خاص به مقالات زیر ارجاع می‌دهم:

“Antropofagia ao alcane de todos”, Benedito Nunes

“Uma poetica da radicalidade”, Haroldo de Campos

Vanguarda e cosmopolitismo, Jorge Schwartz

کتاب‌شناسی انگلیسی زبان بسیار پراکنده‌تر و محدودتر است. برخی آثار دیگر که مقدمه‌ای آموزنده دارند و برخی دیگر نه بصورت مقدمه نوشته نشده‌اند ولی برای خواننده‌ای عامتر و همینطور برای استفاده دانش‌پژوهان در دسترس‌اند از این قرار می‌باشند:

۱. «مانیفست آدم‌خوار» پیکابیا (د/دفون، پاریس، مارس ۱۹۲۰، ۷) و مجله آوانگارد پارسی *آدم‌خوار* (آوریل-مه ۱۹۲۰) از اخلاف کلیدی دیگر این مانیفست محسوب می‌شوند. ر.ک.

Benedito Nunes, “Anthropophagisme et surrealism,” *Surrealisme peripherique* (Montreal: University de Montreal, 1984) 159-79, esp. 164-65.



“Tupy or not Tupy: Cannibalism and Nationalism in Contemporary Brazilian Literature and Culture”, Randal Johnson

“The Rule of Anthropophagy: Europe Under the Sign of Devoration”, Haroldo de Campos

“Triangulating Two Cubists: William Carlos Williams and Oswald de Andrade, Richard Morse

Kenneth David Johnson, “Vanguardist Prose in Oswald de Andrade”

سه مقاله از جانسون و مقاله‌ای از نیل لارسن به نشانی زیر برای هر دو متخصصان نقد ادبی آن دوره و برای محققان علاقمند به مسئله‌پردازی مباحثی پیرامون هویت ملی و فرهنگی در بافت پسااستعماری جالب توجه خواهد بود:

“Eating the Torn Halves: Modernism as *Cultura Brasileira*”, Niel Larsen.

دانشگاه لوئیزیانا

ارجاعات

Andrade, Mario de. *Pauliceia Desvairade. Poesias completas*. 2 vols. Sao Paulo: Livraria Martins Editora, (1980). I: 13–32.

Andrade, Oswald de. "Le manifeste antropophage." Trans. Benedito Nunes. *Surrealisme peripherique*. Ed. Luis de Moura Sobra!. Montreal: Universite de Montreal, (1984).

_____, "Manifesto of Pau-Brasil Poetry." Trans. Stella M. de Sa Rego. *Latin American Literary Review* XIV: 27 (January–June, 1986): 184–87.

_____, *Obras completas*. 11 vols. Rio de Janeiro: Civilizayao Brasileira, (1971/1979).

Boaventura, Maria Eugenia. *A vanguarda antropojagica*. Sao Paulo: Atica, (1985).

_____, ed. *Remate de Males* (Revista do Departamento de Teoria Literaria/Instituto de Estudos da Linguagem, Universidade Estadual de Campinas) 6 (1986). Special issue on Oswald de Andrade.

Campos, Augusto de. "Revistas re-vistas: os antrop6fagos." *Poesia, antipoesia*,



- antropojagia*. Sao Paulo: Cortez & Moraes, (1978). 107-24.
- Campos, Haroldo de. "Da razao antropofagica: dialogo e diferenya na cultura brasileira." *Boletim Bibliografico Biblioteca Mario de Andrade* 44 (1983): 107-25.
- _____, "Uma poetica da radicalidade." *Poesias Reunidas*. By Oswald de Andrade. Vol. 7 of *Obras completas*. 11 vols. Rio de Janeiro: Civilizayao Brasileira, (1979). 9-62.
- _____, "The Rule of Anthropophagy: Europe Under the Sign of Devoration." *Latin American Literary Review* XIV: 27 (January-June, 1986): 42-60.
- Chalmers, Vera. *3 linhas 4 verdades. O jornalismo de Oswald de Andrade*. Sao Paulo: Duas Cidades, (1976).
- Helena, Lucia. *Totens e tabUs da modernidade brasileira*. Rio de Janeiro: Tempo Brasileiro, (1985).
- Jackson, Kenneth David. *A prosa vanguardista na literatura brasileira: Oswald de Andrade*. Sao Paulo: Perspectiva, (1978).
- _____, "Vanguardist Prose in Oswald de Andrade." Diss. University of Wisconsin, (1972).
- Johnson, Randal. "Literature, Culture and Authoritarianism in Brazil, (1930/1945)." *Working Papers* 179. Latin American Program, Woodrow Wilson International Center for Scholars. Washington, D.C., (1989).
- _____, "Rereading Brazilian Modernism." *Texas Papers on Latin America*, no. 89-04. Institute of Latin American Studies, University of Texas at Austin, (1989).
- _____, "Tupy or not Tupy: Cannibalism and Nationalism in Contemporary Brazilian Literature and Culture." *On Modern Latin American Fiction*. Ed. John King. New York: The Noonday Press, (1989). 41-59.
- Larsen, Neil. "Modernism as *Cultura Brasileira*: Eating the 'Tom Halves'." *Modernism and Hegemony: A Materialist Critique of Aesthetic Agencies*. Minneapolis: University of Minnesota Press, (1990). 72-97.
- Morse, Richard. "Triangulating Two Cubists: William Carlos Williams and Oswald de Andrade." *Latin American Literary Review* XIV: 27 (January-June, 1986): 175-83.
- Nunes, Benedito. "Antropofagia ao alcance de todos." In Oswald de Andrade, *Do Pau-*



Brasil a Antropofagia e as Utopias. By Oswald de Andrade. Vol. 6 of *Obras completas*.

11 vols. Rio de Janeiro: Civilizayao Brasileira, (1976). xi-liii.

_____, *Oswald canibal.* Sao Paulo: Perspectiva, (1979).

Schwartz, Jorge. *Vanguarda e cosmopolitismo na decada de 20: Oliverio Girondo e*

Oswald de Andrade. Sao Paulo: Perspectiva, (1983).

Schwarz, Roberto. *Que horas sao?* Sao Paulo: Companhia das Letras, (1987).



مانیفست آدم‌خواری

اسوالد دو آندراده

فقط آدم‌خواری متحدمان میکند. از نظر اجتماعی. از نظر اقتصادی. از نظر فلسفی.

* * *

یگانه قانون جهان. بیان مبدل هر فردگرایی، تمام جمع‌گرایی‌ها. تمام ادیان. تمام رساله‌ها در باب صلح.

* * *

تویی بودن یا تویی نبودن، مسئله این است.^۲

* * *

مرگ بر هر توضیح‌المسائل. و مرگ بر مادر گراچی.^۳

* * *

۲. در متن اصلی به انگلیسی به همین صورت Tupi، نام همگانی و عام برای آمریکایی‌های بومی برزیل و همین‌طور برای زبان‌شان *nheengatu*.
م.ا. [همه پانویس‌ها از مترجم انگلیسی]
۳. گفته میشود که کورنلیا بعنوان دانشجوی ادبیات یونانی و لاتین باتقوا و زاهدپیشه بود و بی‌نهایت خودش را وقف فرزندانش کرده بود. در این *مانیفست*، او مادر بدی‌ست که (در تقابل با مادرالهه Jaci و Guaraci) فرزندانش را بعنوان اتباع یک فرهنگ «متمدن» بزرگ میکند.



فقط با چیزی سروکار دارم که مال من نیست. قانون انسان. قانون آدم‌خوار.

* * *

دیگر حوصله همسران مشکوک کاتولیک را نداریم که نقش‌های اصلی به آنها سپرده میشود. فروید به اسطوره زن و دیگر وحشت‌های روانشناسی چاپی فیصله داد.

* * *

پوشش بود که با حقیقت تنافر پیدا کرد، آن بارانی‌ئی که بین جهان‌های درونی و بیرونی قرار داده شد. واکنشی بر ضد انسان پوشیده. فیلم‌های آمریکایی در این زمینه مطلع‌مان خواهند کرد.

* * *

فرزندان آفتاب، مادر زندگان. مکشوف و محبوب با نهایت تزویر سائوداده،^۴ از طرف مهاجران، بردگان، و توریست‌ها. در سرزمین مار بزرگ.^۵

* * *

۴. Suadade یا میل شدید، غم غربت، حسرت، هوای وطن، احساسی سنتا مربوط به مشخصه ملی پرتغالی.
۵. بندیتو نوناس در ترجمه فرانسوی تشریحی‌اش بر این مانیفست اشاره میکند که در اینجا خورشید الهه‌ای مادرانه است. نونس درعینحال اشاره میکند که «مار بزرگ» (*Cobra Grande*) یک روح آب در اساطیر آمازونیست و مضمون شعر رائلو باپ *Cobra Norato* (۱۹۲۸). ر.ک.

Oswald de Andrade, "Le manifeste anthropophage," trans. Nunes, *Surrealisme peripherique*, ed. Luis de Moura Sobral (Montreal: Universite de Montreal, 1984) 180-192, esp. 181, n. 3.



دقیقا چون هرگز گرامری نداشتیم، کلکسیونیی از گیاهان قدیمی. و هرگز از شهری، حومه شهری، مرز و قاره‌ای
خبر نداشتیم. تنبلی در *mapamundi* برزیل.^۶
یک آگاهی مشارکتی، یک ریتمیک دینی.^۷

* * *

مرگ بر تمام واردکنندگان آگاهی حاضرآماده قوطی شده. وجود لمس ناشدنی زندگی. و ذهنیت پیشامنطقی آقای.
لوی-برول برای مطالعه.^۸

* * *

ما انقلاب کارائیب را می‌خواهیم. بزرگتر از انقلاب فرانسه. اتحاد تمام شورش‌های مولد برای پیشرفت انسانیت.
بدون ما، اروپا حتی اعلامیه محقر حقوق بشرش را هم نداشت.^۹
آمریکا منادی عصر طلایی بود. عصر زرین. و تمام دختران.

* * *

۶. نونس مینویسد «اسوالد تشابهی را بین نبود انضباط گرامری و نبود شکاف بین طبیعت و فرهنگ در برزیل برقرار میکند. برزیلی‌ها بخاطر نزدیکی بسیار به فرهنگ نیازی نداشتند که گیاه علفی جمع کنند (مجموعه‌ای از گیاهان قدیمی)، یعنی برخلاف کار روسو و گوته («مانیفست آدم‌خواری» ۱۸۲، ش. ۴). «گیاهان قدیمی» (*Velhos vegetais*) هم به نظر به نگاه بسته‌شده، غیرفعال، و نباتی establishment ادبی و فرهنگی برزیلی اشاره دارد که اسولد می‌خواهد از جای خود حرکت دهد.

۷. ارجاعاتی به کار Levy-Bruhl درباره ساختار اندیشه «ابتدایی». ر.ک. ذیل، ش. ۸.

۸. لوسین لوی‌برول فلسوف و قوم‌شناس فرانسوی (۱۸۵۷-۱۹۳۹). از بین آثارش: *La fonction metals dans les societees inferieures* (1910)، *La mentalite preimitive* (1927)، و *La mythologie primitive* (1935). ذهنیت «ابتدایی» برحسب نظر لوی‌برول از ریخت‌افتادگی شخص «متمدن» نیست بلکه یک ساختار کاملاً متفاوت فکری است. ذهن ابتدایی عرفانی، جمعی، و پیشامنطقی است.

۹. نیل لارسن مینویسد: «خود مانیفست آبرونی جالبی با "نظریه" ای دارد که گفتار روشنگری حق طبیعی از لاک گرفته تا روسو و نهایتاً تا اعلامیه حقوق بشر و انقلاب بورژوازی به خودی خود خاستگاه‌شان را در «وحشی اشرافی» مونتاین دارد مبتنی بر اولین گزارش‌ها از برزیل از آدم‌خواری بین اعضای یک گردهمایی اهالی قبیله Tupinamba. ر.ک.



میراث. تماس با طرف کارائیب برزیل. *Ou Villegaignon print terre*.^{۱۰} مونتاین. آدم طبیعی. روسو. از انقلاب فرانسه تا رومانتیسیسم، تا انقلاب بولشویکی، تا خود انقلاب سوررئالیستی و بربری تکنیسین کیسرلینگ.^{۱۱} ما به جلو زور می‌کنیم.

* * *

هیچ وقت از راه سؤال و جواب یاد نگرفتیم. با قانون خوابگرد زندگی می‌کنیم. کاری کردیم مسیح در Bahia به دنیا بیاید. یا در Belem do Para.^{۱۲}

* * *

ولی هیچ وقت هم اجازه ندادیم که در میان مان منطقی پا بگیرد.

* * *

مرگ بر پدر ویریا. راقم اولین قرض مان – تا ماموریتی بدهد.^{۱۳} پادشاه بی‌سواد به او گفته بود: در کاغذ ثبت کن، ولی بدون زبان‌درازی. شکر برزیل. ویی‌را پول را در پرتغال گذاشت و زبان‌درازی را برای مان آورد.

۱۰. در مقاله مونتین «Des cannibals»، «ou Villegaignon print terre» فرانسه جنوبگان است (ماموریت فرانسوی در برزیل). مونتاین در این مقاله این بحث را پیش می‌کشد که آدم‌خواری آیینی بسیار کمتر از بسیاری از رسوم «متمدن» اروپایی بربرانه است.

۱۱. کنت هرمن کیسرلینگ فیلسوف آلمانی، جهانگرد و شرق‌شناس (۱۸۸۰-۱۹۴۶). آثارش ایده‌های (اشپنگری) را مطرح می‌کنند که جهان غربی باید نفوذ متقابل مشترکی با فلسفه شرق داشته باشد و اینکه آمریکای لاتین بصورت قدرتی جهانی ظهور خواهد کرد درحالیکه اروپا افول می‌کند. نونس مطلع مان می‌کند که کیسرلینگ که «دیدارش از سائو پائولو در ۱۹۲۹ مورد استقبال *Revista de antropofagia* قرار گرفته بود که ایده بربریت فنی را در کتابش *Die neuentstehende Welt* مطرح می‌کند (*Surrealisme, "Anthropophagisme et surrealisme"*, *peripherique*, ed. Luis de Moura Sobral, Montreal: Universite de Montreal, (1984), 159-79, esp. 173, n. 15). اوسلد ایده کیسرلینگ را وارونه می‌کند که یک «بربریت فنی» بی‌روح نشانه دنیای مدرن است. در اتوپای اسوالد، انسان بدوی از میوه‌های مدرنیزاسیون بهره میبرد.

۱۲. شهر برزیلی Belem، یا Bethlehem (دولت Para). بنابراین مسیح در متن اسوالد به دنیای نو آورده نمی‌شود بلکه در بتلهم خودش به دنیا می‌آید.

۱۳. آنتونیو وی‌را (۱۶۰۸-۹۷)، یسوعی پرتغالی که در استعمار برزیل خدمت کرد. او بعدها به «یهودای برزیل» معروف شد. در جنگ مابین پرتغال و هلند بر سر Pernambuco، وی‌را یک معاهده صلح را به بحث گذاشت که بواسطه‌اش پرنامبوکو به هلند داده می‌شد و پرتغال هم نباید برای پایان جنگ به هلند چیزی پرداخت می‌کرد (با پول رایج برزیل). وی‌را واعظ و نویسنده‌ای برجسته بود و با بلاغتی شیوا و رسمی شناخته می‌شود. زبانی مستقیماً در تقابل با ایدیوم شعری که اسوالد برای برزیل ضرب می‌کند. نونس مینویسد که وی‌را «برای اسوالد قوی‌ترین چهره از بین تمام مظاهر فرهنگ روشنفکری برزیل است... اسوالد به پیشنهاد ۱۶۴۹ وی‌را اشاره می‌کند برای تشکیل شرکتی برای بهره‌برداری از شکر ایالت Maranhao» («مانیفست آدم‌خواری»، ۱۸۳، ش. ۱۱).



* * *

روح از قبول روحی بدون یک بدن تن میزند. انسان ریخت‌گرایی. واکسن آدم‌خواری لازم. برای صیانت از توازن‌مان، در برابر ادیان نصف‌النهاری.^{۱۴} و بر ضد سین‌جین بیرونی.

* * *

فقط میتوانیم به دنیای اوراکلی گوش بسپاریم.

* * *

قبلا عدالت را داشتیم، مدون کردن قانونی انتقام. علم، بمنزله مدون کردن قانونی جادو. آدم‌خواری. تبدیل مستمر تابو به یک توت.^{۱۵}

* * *

مرگ بر جهانی برگشت‌پذیر و بر ضد ایده‌های عینیت‌یافته. نعش‌شده. توقف اندیشه که پویاست. فرد چون قربانی سیستم. منبع بی‌عدالتی‌های کلاسیک. از جنس بی‌انصافی‌های رمانتیک. و فراموشی فتوحات درونی.

* * *

مسیرها. مسیرها. مسیرها. مسیرها. مسیرها. مسیرها.^{۱۶}

۱۴. از دید نونس ادیان «نصف‌النهاری» ادیان رستگاری‌اند. ر.ک. "Antropofagia ao Alcance de Todos," in Oswald de Andrade, *Do Pau-Brasil a Antropofagia e as Utopias* (1972); Rio de Janeiro: Civilizacao Brasileira (1978) xxxi
خط مقسم بنظر در بافت مانیفست برای دلالت بر تقسیمات بدن/روح، بومی/اجنبی، و الخ بکار میرود که اسوالد سعی در اسقاطش دارد.
۱۵. فروید در *توتوم و تابو* (۱۹۱۳، تر. ۱۹۱۸) بحث میکند که جابجایی از نظام‌های «توتوم‌باورانه» به نظام‌های «تابو» اخلاق و دین اقتدار و مرجعیت پدران را بمنزله سنگ‌بنای فرهنگ تحکیم کردند. سوژه‌های نظام تابو «متمدن» میشوند چون پدران را درونی کرده‌اند. طرفداری اسوالد از آدم‌خواری توتمی به این شیوه طرد پدرسالاری و فرهنگ «پدران» (پرتغالی) را رقم میزند. همینطور برای توضیحی مفصلتر ر.ک. "Anthropophagisme et surrealism", 169-70.
۱۶. از *roteiros* از *rotear* به معنای ناوبری کردن، فن هدایت سفینه. میتواند به معنای دفتر ثبت کشتی‌ها یا هدایت‌های ملوانان هم باشد. پس اسوالد را میتوان در اینجا در ارجاع به بازکشف آمریکا تعبیر کرد.



* * *

غریزه کارائیبی.

* * *

مرگ و زندگی تمام فرضیه‌ها. از معادله «خود بمنزله جزئی از کیهان» تا اصل «کیهان بمنزله جزئی از خود». معاش. تجربه. آدم‌خواری.

* * *

مرگ بر نخبگان کاشت‌شدنی. کاشت در رابطه با خاک.

* * *

هیچ وقت از راه سؤال و جواب یاد نگرفتیم. چیزی که واقعا ساختم کارناوال بود. سرخ‌پوستی در لباس سناتور امپراتوری. باور کنید پیت است.^{۱۷} یا اجرای نقشی در اپراهای آلتکار،^{۱۸} پر از احساسات پرتغالی.

* * *

از قبل کمونیسم را داشتیم. از قبل زبان سوررئالیستی را داشتیم. عصر طلایی.

* * *

Catiti Catiti

۱۷. William Pitt (۱۷۵۹-۱۸۰۶)، دولتمرد انگلیسی متنفذ در شکل‌گیری خط‌مشی استعماری در قبال هندوستان.
۱۸. ژوزه دو آلتکار، نویسنده برزیلی و سیاستمدار محافظه‌کار (۱۸۲۹-۱۸۷۷). رمان سرخ‌پوست‌گرایانه‌اش *O Guarani* (۱۸۵۷) به اپرا تبدیل شده بود، با موسیقی Carlos Gomes (۱۸۳۶-۱۸۹۶)، کاری که در ۲ دسامبر ۱۸۷۰ در تئاتر اسکالای میلان افتتاح شد. نونس اشاره میکند که «Peri، قهرمان اثر آداب متمدنانه دارد و ادای لردهای بزرگ پرتغالی را درمی‌آورد» («مانیفست آدم‌خواری» ۱۸۶، ش. ۱۸).



Imara Notia

Notia Imara

Ipeju.¹⁹

* * *

جادو و زندگی. توصیف و تسهیم کالاهای قابل لمس، کالاهای اخلاقی، و کالاهای سلطنتی را داشتیم.^{۲۰} و میدانیم که چگونه راز و مرگ را به کمک شکل‌های گرامری معدودی ترنس‌پوز کنیم.

* * *

از یکی پرسیدم که قانون چه بود. جواب داد ضامن کاربرد امکان. اسمش بود گالی ماتياس.^{۲۱} خوردمش.

* * *

فقط جایی که سرّی هست چندوچونی نیست. ولی این به ما چه دخلی داشت؟

* * *

مرگ بر تاریخ‌های بشر که در Cape Finisterre آغاز میشود. دنیایی مربوط به زمانی نامعلوم.

* * *

۱۹. در پانوشتی، اسولد ترجمه‌ای از این متن توپی را تهیه میکند که اینطور آغاز میشود: «ماه نو آخ ماه نو خاطرات کبود من در مردی که طالبش بودم.» یادداشت منبع این متن را *O Selvagem* ذکر میکند، اثری انسان‌نگارانه توسط Couto Magalhaes، سیاستمدار و انسان‌شناس (۱۸۳۶-۱۸۹۸). نونس ترجمه کامل وی از متن توپی را نقل می‌آورد: “*Lua Nova, 6 lua Nova! assoprai em...lembrancas de mim’ eisme aqui, estrous em vossa presence’ fazei com que eu tao somente ocupe seu corcao.*” [ماه نو آخ ماه نو! خاطرات کبود من در...؛ اینجا مقابلت می‌ایستم؛ بگذار من و نه هیچ کس دیگری قلبش را بگیرد. «مانیفست آدم‌خواری» ۱۸۶، ش. ۱۹].

۲۰. متن اصلی در اینجا “*dos bens ffsicos, dos bens morais, dos bens dignarios.*” است. اسوالد با الفاظ قانونی برای انواع گوناگون مالکیت بازی میکند تا نهادهای اروپایی «متمدن» را به سخره بگیرد و نشان دهد که آنها برای فرهنگ برزیلی سطحی به شمار می‌آیند. *Bens ffsicos* احتمالاً سرزمین و منابع طبیعی برزیل هستند و *bens morais* فرهنگ بومی. *Bens dignarios* ملک اعطاشده توسط پادشاه هم ناظر بر جوانب فرهنگ برزیلی در اشتراک با پرتغال است و هم ناظر بر ملک «اعطایی» به شاه پرتغال که در واقع اساسا برزیلی بود.

۲۱. Galli Mathias بازی کردن با کلمات *galimatias* یا چرت‌وپرت است.



تعیین پیشرفت با کاتالوگ‌ها و دستگاه‌های تلویزیونی. فقط ماشین‌ها. و transfuserها.

* * *

مرگ بر والایش‌های آنتاگونیستی. اینجا در کارناوال‌ها.

* * *

مرگ بر حقیقت مردمان مبلغ، به تعریف دانایی یک آدم‌خوار، ویسکنت قاهره: ۲۲ – دروغی مکرر.

* * *

ولی کسانی که اینجا آمدند اهالی جنگ صلیبی نبودند. فراری‌هایی بودند از تمدنی که در حال خوردنش هستیم چون قوی هستیم و محق همچون جابوتی.^{۲۳}

* * *

اگر خدا آگاهی از دنیای نیافریده است، گواراکی مادر زندگان است.^{۲۴} جاکمی مادر نباتات.^{۲۵}

* * *

هیچ وقت حدس نمی‌زدیم. ولی غیبگویی داشتیم. سیاست داشتیم که دانش توزیع است. و سیستمی اجتماعی در هماهنگی با سیاره.

۲۲. Jose de Silva Lisboa، ویسکنت قاهره (۱۷۵۶-۱۸۳۵)، سیاستمدار برزیلی. پس از Dom Joao VI دربارش را در ریو دو ژانیرو (۱۸۰۸) تثبیت کرد، متعاقب حمله ناپلئون، ویسکنت قاهره او را متقاعد کرد که بنادر برزیل را به روی «تمام ملل دوست پرتغال» باز کند.

۲۳. لاک پشت برزیل شمالی؛ در فرهنگ عمومی سرخ‌پوستان او چهره‌ای حقه‌باز محسوب میشود. jabuti ناقلا، اکتیو، کمیک، و اهل بزنبزن است.

۲۴. Guaraci، الهه خورشید توپی، مادر تمام مردان.

۲۵. Jaci، الهه ماه توپی، خالق گیاهان.



* * *

مهاجرت‌ها. پرواز از احوالات بی‌روح. بر ضد اسکروز شهری. بر ضد کنسرواتورها و ملال نظری.

* * *

از ویلیام جیمز و ورونوف.^{۲۶} استحاله تابو به یک توتم. آدم‌خواری.

* * *

پدردستگاه‌ها و خلق اخلاقیات لک‌لک: غفلت جدی از اوضاع + فقدان تخیل + معنای اقتدار در برابر بچه‌های فضول.

* * *

باید از آنتیسم سنگین راه خود را دور کرد تا به تصویری از خدا رسید. اما خب کارائیب نیازی به آن ندارد. چون گواراکی را دارد.

* * *

ابژه آفریده چون شیاطین واکنش نشان می‌دهند. بعد موساست که خیال باطل به سرش می‌زند. باید چه کنیم با این؟

۲۶. ویلیام جیمز، فیلسوف آمریکایی (۱۸۴۲-۱۹۱۰) مولف *اصول روانشناسی* (۱۸۹۰)، *انواع تجربه دینی* (۱۹۰۲)، و *عالم تک‌ترگرا* (۱۹۰۹). Serge Voronoff، زیست‌شناس روس‌زاد (۱۸۶۶-۱۹۵۱) مولف اثر *Etude sur la vieillesse et la rajeunissement par la greffe* (۱۹۲۶) و *La conquete de la vie* (۱۹۲۸) است، یک روش جوان‌شدن دوباره با قلمه‌زدن قدد تناسلی. تفسیر ابهام‌زدا و سززدای جیمز از دین را میتوان با چهره تعلیمی که اسوالد رد میکند در مغایرت قرار داد و علاقه ورونوف به قلمه‌زنی و همینطور بازگشت به جوانی و دفاع از مرگ قربان‌هایی با پروژه اسوالد دارد. نونس مینویسد که «میتوان ورونوف را یک پراگماتیسم زیست‌شناختی متصور شد که *مانیفست آدم‌خواری* در برابرش زانو می‌زند» («مانیفست آدم‌خواری» ۱۸۸-۱۸۹، ش. ۲۶).



* * *

قبل از اینکه پرتغالی‌ها برزیل را کشف کنند برزیل خوشبختی را یافته بود.

* * *

مرگ بر سرخ‌پوستان مشعل‌به‌دست. فرزند سرخ‌پوست ماری، فرزندخوانده کاترین مدیچی و دُم آنتونیو دو ماریز.^{۲۷}

* * *

سرخوشی نشان دسته‌های نه‌نفره است.

* * *

در مادرسالاری پیندوراما.^{۲۸}

* * *

مرگ بر خاطره چون خاستگاه رسوم. رستخیز تجربه شخصی.

* * *

۲۷. نونس مینویسد که این یک «برهم‌نمایی سه تصویر» است: «تصویر سرخپوست‌های مجسمه از چلچراغ‌های برخی کلیساهای باروک معین، تصویر Paraguassu سرخپوست که در قرن ۱۶ به فرانسه سفر کرد و همسرش را هم در کنارش داشت، یعنی دیگو آلوارز کوریا، و همینطور تصویر آنتونیو دو ماریز، ارباب روستانی اشراف‌زاده، پدر Ceci، که Peri عاشقش میشود، در *O Guarani*. پاراگواسو در سن‌مالو تعمید داده شده بود. روایت نقلی داستان، با کتاب‌های مدرسه پخش میشد، و کاترین مدیچی را مادر تعمیدی این بومی معرفی میکند» («مانیفست آدم‌خواری»، ۱۸۹-۱۹۰، ش. ۲۸).

۲۸. نونس مینویسد که این یک «برهم‌نمایی سه تصویر» است: «تصویر سرخپوست‌های مجسمه از چلچراغ‌های برخی کلیساهای باروک معین، تصویر Paraguassu سرخپوست که در قرن ۱۶ به فرانسه سفر کرد و همسرش را هم در کنارش داشت، یعنی دیگو آلوارز کوریا، و همینطور تصویر آنتونیو دو ماریز، ارباب روستانی اشراف‌زاده، پدر Ceci، که Peri عاشقش میشود، در *O Guarani*. پاراگواسو در سن‌مالو تعمید داده شده بود. روایت نقلی داستان، با کتاب‌های مدرسه پخش میشد، و کاترین مدیچی را مادر تعمیدی این بومی معرفی میکند» («مانیفست آدم‌خواری»، ۱۸۹-۱۹۰، ش. ۲۸).



ما اصحاب کانکریت هستیم. ایده‌ها مسئولیت مردم را در میدان‌های عمومی بر عهده میگیرند، با مردم فعل‌وانفعال دارند، و مردم را میسوزانند. به علائم باور کن: به زاویه‌یاب سفینه‌ها و به ستاره‌ها.

* * *

مرگ بر گوته، مادر گراچی، و دربار دُم خوانو ششم.^{۲۹}

* * *

سرخوشی نشان دسته‌های نه‌نفره است.

* * *

مبارزه‌ای که میتوانیم بگوییم بین نافریده و آفرینش است - روشن و مشخص با تناقض دائمی بین بشر و تابوئش. عشق هرروزه و راه و رسم زندگی سرمایه‌دارانه. آدم‌خواری. جذب دشمن مقدس. برای تبدیلیش به یک توتم. ماجراجویی انسانی. هدف زمینی. حتی در این صورت هم فقط نخبگان ناب ترتیبی دادند تا آدم‌خواری شهوانی و گوشتی را محقق کنند که در خودش حامل بالاترین معنای زندگی ست و از تمام امراض مورد تشخیص فروید خودداری میکند - امراض توضیح‌المسائلی. نتیجه‌اش تصعید غریزه جنسی نیست بلکه پوسته ترمومتریک غریزه آدم‌خوارانه است. این غریزه که در ابتدا شهوانی و گوشتی ست گزینشگر میشود و دوستی می‌آفریند. وقتی موثر است عشق می‌آفریند. وقتی اهل نظر بازی ست دانش می‌آفریند. انحراف‌هایی به خود می‌گیرد و دور دور میزند. گاهی تنزل میکند. یک آدم‌خواری نازل که ملامال از گناهان توضیح‌المسائلی ست - حسد، رباخواری، بهتان، قتل. ما بر ضد این آفت مردمان فرضاً فرهیخته و مسیحی شده رفتار میکنیم. آدم‌خوارها.

* * *

۲۹. Dom Joao VI پادشاه پرتغال (دوره سلطنت از ۱۸۱۶-۱۸۲۶). بعنوان نایب‌السلطنه شاهزاده، از حمله ناپلئون به پرتغال (۱۸۰۷) فرار کرد و دربار پرتغال را در ریو دو ژانیرو (۱۸۰۸-۱۸۲۱) شکل داد. برزیل را یک پادشاهی کرد (۱۸۱۵) با مراتب برابر با پرتغال و آخرین موناارش استعماری برزیل قبل از استقلال (۱۸۲۲) بود.



مرگ بر آنچیتا که یازده هزار باکره فلکی^{۳۰} را در سرزمین ایراچکا^{۳۱} آواز میخواند - پدرسالار خوائو روملو، بانی سائو پائولو.^{۳۲}

* * *

استقلال مان را هنوز اعلام نکرده‌ایم. عبارتی درخور دُم خوائو ششم: «پسرم این تاج را بر سرت بگذار قبل از اینکه ماجراجویی بر سر خودش بگذرد!»^{۳۳} ما سلسله را منفصل کردیم. باز هم باید منفصل کنیم، از جمله روح براگاننتین،^{۳۴} احکام و انقیه‌دان ماریا دا فونته.^{۳۵}

* * *

مرگ بر پوشیدگان و واقعیت اجتماعی ظالمانه که فروید ثبتش کرد - واقعیت بدون پیچیدگی‌ها، بدون دیوانگی، بدون روسپیگری، بدون ندامتگاه، در مدارس سالیاری پیندوراما.

اسوالد دو آندراده

در پیراتینینگا

در ۱۳۷۴ امین سال از

۳۰. پدر Anchieta (۱۵۹۷-۱۵۳۴) مبلغ یسوعی بین سرخ‌پوستان بود و به «فائد برزیل» شناخته میشود و معمولاً تصور میشود اولین نویسنده برزیلی باشد. او به تاسیس سائو پائولو در ۱۵۵۴ کمک کرد و پس از آن هم یک مدرسه یسوعی را در Piratiniga (سائو ویسنته) بنیاد گذاشت. آنچیتا مولف شعری لاتین بلندی برای مریم مقدس است که او آن را سرود و خاطرش نگه داشت وقتی اسیری نزد سرخ‌پوست‌ها بود، همینطور نویسنده شعری دراماتیک به پرتغالی درباره ورود بقایای یازده هزار باکره (شرکای افسانه‌ای St. Ursula، شهادت در کلن، در اوایل قرن ۴، پس از وی جزایر باکره نامگذاری میشوند) در برزیل. پس آنچیتا تجسد چهره تعلیمی، ورود فرهنگ، و نقش خوردن نام برزیل بعنوان یک مستعمره است که اسوالد طردش میکند.

۳۱. قهرمان زن سرخ‌پوست در رمان آلنکار به همین نام (۱۸۶۵).

۳۲. خوائو رامالو یکی از اولین مستعمران پرتغالی برزیل بود. با تخته‌پاره‌های کشتی‌اش در ۱۵۱۲ به حوالی ساحل سائو پولو میرسد و با سرخ‌پوستان تامویا دوست میشود، با دختر یک رئیس قبیله ازدواج میکند، فرزندان زیادی از او و دیگر تامویاها دارد، و امپراتوری کوچکی را ایجاد میکند. او چیزی را پی میریزد که امروزه Santo Andre خوانده میشود و همینطور دهکده Piratiniga. او مخالف پی‌ریزی سائو پائولو به دست یسوعی‌ها بود و مقاومت سرخ‌پوستان بر ضد مبلغان را سازمان داد.

۳۳. پسر دُم خوائو ششم، دُم پدر، امپراتور برزیل شد وقتی استقلال در ۱۸۲۲ اعلام شد. نقل است که دُم خوائو که از قبل پی برده بود که برزیل خودش را از پرتغال جدا خواهد کرد دستورات لازمی را به دُم پدر داد که اسوالد در اینجا قبل از بازگشت به لیسبون در ۱۸۲۱ نقل‌شان می‌آورد.

۳۴. شاهان پرتغالی این دوره از سلسله Braganca بودند.

۳۵. چهره افسانه‌ای ماریا دو فونته به نماد شورش مردمی در مینهو (۱۸۴۶) بر ضد مالیات بالاتر بر مالیه، بهبود جاده‌ها، و اصلاحاتی در بهداشت همگانی تبدیل شد. این قیام نیروهای محافظه‌کار را در پرتغال تقویت کرد که در مطلقگی و استعمار دست داشت. در بستر مانیفست آدم‌خواری، ماریا دو فونته مظهر وفاداری به سنت پرتغالی و زنی پدرسالار است، نظیر مادر گراچی و برخلاف جاک و گواراچی.



بلعیدن اسقف ساردینها. ۳۶

دانشگاه لویزیانا

۳۶. ساردینا اسقف باهیا بود، از ۱۵۵۲ تا ۱۵۵۶، تا وقتی که توسط سرخپوستان کالتیس به قتل رسید و ظاهراً خورده شد. او وقتی به دست سرخپوستان افتاد که کشتی حامل بازگشت وی لیسبون در رودخانه سائو فرانسیسکو غرق شد. ساردینا ترجیح داده بود که ساکنان پرتغالی را تنبیه کند که به خشم آمده از مغایرت یسوعی‌ها با اسارت سرخپوست‌ها در ۱۵۵۴ به مدارس پیراتینینگا حمله کرد.